



انجمن ایرانی حقوق جزا

نشریه علمی

پژوهشنامه حقوق کیفری



دانشگاه گیلان

سال شانزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، پیاپی ۳۲

صفحات مقاله: ۷-۳۱

مقاله پژوهشی

زن و بچه یا زن بچه؟ تحلیل جرم‌شناختی فیلم سینمایی زن و بچه

۱- حمیدرضا دانش ناری*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

✉ Daneshnari@um.ac.ir

۲- ابوالفضل شرافتی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۹/۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

چکیده:

رویکرد جنسیت‌محور در جرم‌شناسی انتقادی با افشای هژمونی مردانه در ساختار نظام هنجارگذاری، تأکید می‌کند که در جوامع مردسالار، زنان به‌عنوان «دیگری» و در وضعیت درجه دومی طبیعی انگاشته شده، قرار می‌گیرند. این پژوهش، فیلم «زن و بچه» را بر اساس نظریات جرم‌شناسی جنسیت‌محور و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی ارزیابی می‌کند. هدف پژوهش بررسی آن است که فیلم «زن و بچه» چگونه روابط، نقش‌ها، نهادینه‌سازی نابرابری جنسیتی و تجربه بزهکاری و بزه‌دیدگی را در بستر کلیشه‌های جنسیتی بازنمایی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد زنان به‌عنوان یک گروه در حاشیه، بزه‌دیده ساختارهای نابرابر قدرت، قوانین و عدالت مرد محور و تبعیض‌آمیز واقع می‌شوند. «زن و بچه» این مسئله را در قالب انتقاد از قوانین حضانت و عدم امکان قصاص ولی قهری بازنمایی می‌کند. در این بستر، مقاومت زنان در برابر فرهنگ و هنجارهای مسلط مردسالاری ممکن است در قالب جرایم مقاومتی تجلی یابد. یافته‌ها در بخش کنترل‌های افتراقی نیز حاکی از آن است که ساختارهای مردسالار، بسیاری از انحرافات مردانه را در راستای نقش‌های جنسیتی، مباح تلقی می‌کنند.

واژگان کلیدی: نظم گفتمانی، بزه‌دیده‌شناسی جنسیت‌محور، جرم‌شناسی جنسیت‌محور، زن و بچه، نقش‌های جنسیتی.

۱ - این عنوان برگرفته از مهم‌ترین سکانس فیلم است که در آن، شخصیت اصلی داستان خطاب به حمید می‌گوید: «تو زن و بچه دوست نداشتی، تو زن بچه دوست داشتی».

مقدمه

سینما به عنوان یکی از مهم ترین رسانه های جمعی، می تواند بر شکل گیری افکار عمومی و نگرش های اجتماعی تأثیرگذار واقع شود. با این حال، اهمیت مطالعات اجتماعی فیلم آن گونه که باید شناخته نشده است. مطالعات اجتماعی و دانشگاهی فیلم و سینما به بررسی پیوند میان سینما و ساختارهای اجتماعی می پردازند که ارتباط میان واقعیت های موجود در جامعه و محتوای فیلم را آشکار می سازند (Ravadrad et al, 2017: 9). سینما علاوه بر کارکردهای عام رسانه ای همچون اطلاع رسانی، آموزش و سرگرمی، کارکردهای دیگری نیز دارد که یکی از آنها ایجاد نگرش جدید در خصوص مفاهیم و باورهای رایج جامعه است (Azadarmaki & Amir, 2009: 106). بدین ترتیب، در بازنمایی چهره مجرم در آثار سینمایی به این نکته توجه می شود که بزهکار بر اساس رویکردهای محافظه کارانه، فردی شرور و خطرناک است یا در پرتو دیدگاه های انتقادی، بزهکار خود قربانی و بزه دیده جامعه تلقی می شود؟ (Daneshnari, & Hosseini, 2020: 78-79). مطالعه جرم شناسی فیلم های سینمایی یکی از موضوعات جدی در پژوهش های جرم شناسی، به ویژه جرم شناسی فرهنگی^۱ و جرم شناسی عامه پسند^۲ است. در عصر ارتباطات، سینما به عنوان یکی از رسانه های اثرگذار، از طریق انتقال اطلاعات و بازنمایی ایده ها و نگرش های اجتماعی، نقشی مهم در فرهنگ سازی و حمایت از هنجارهای عمومی جامعه ایفا می کند. بر این اساس، سینما در شکل و جهت دهی به برداشت و داوری مخاطب نسبت به پدیده جنایی نیز نقش مؤثری ایفا می کند. روایت های سینمایی می توانند با برجسته سازی زمینه های اجتماعی، روانی و ساختاری بزهکاری، تصویر مخاطب از مجرم را دگرگون کنند و چهره او را از فردی شرور به قربانی شرایط اجتماعی تبدیل کنند^۳. جرم شناسی جنسیت محور نیز نگرشی انتقادی نسبت به مسائل مربوط به جرم دارد. رویکردهای جنسیت محور در جرم شناسی می توانند با تحلیل نحوه بازنمایی نقش ها و کلیشه های جنسیتی در سینما، اثرگذاری روایت های سینمایی در شکل دهی به ادراک مخاطبان از پدیده های جنایی را در چارچوب مناسبات جنسیتی برملا سازند.

با وجود گسترش چشمگیر پژوهش های جرم شناسی در دهه های اخیر، رویکردهای جنسیت محور هنوز نتوانسته اند جایگاهی مستقل و قابل ملاحظه در بدنه اصلی جرم شناسی پیدا کنند و اغلب در حاشیه مباحث باقی مانده اند. این امر ضرورت معطوف شدن توجه مطالعات جرم شناسی نسبت به رویکردهای جنسیت محور را نشان می دهد.

جرم شناسی جنسیت محور یکی از شاخه های جرم شناسی انتقادی است که به تبیین پدیده مجرمانه با تکیه بر نقد وضعیت فعلی زنان و برهم زدن حکومت مردسالارانه می پردازد^۴ (Aalipour, 2025: 56). جرم شناسی سنتی را می توان یکی از مردم محورترین شاخه های مطالعات علوم اجتماعی دانست که در تحلیل کنش های بزهکارانه، گرایش به محوریت بخشی به مردانگی با هدف تشریح تمام انواع رفتارهای مجرمانه دارد (Walklate, 2019: 159).

1. Cultural Criminology.

2. Popular Criminology.

۳. برای نمونه، در برخی آثار سینمایی مانند فیلم جوکر، شخصیت اصلی با تمرکز بر تجربه های طرد اجتماعی و فشارهای ساختاری به گونه ای روایت می شود که مخاطب تا حدی با او همدلی می کند و در نتیجه، قضاوت اخلاقی یک سویه نسبت به رفتار مجرمانه او تضعیف می شود. از این رو، مطالعه جرم شناسی فیلم های سینمایی اهمیت می یابد؛ زیرا این بازنمایی ها می توانند بر نحوه ادراک جامعه از جرم، مجرم و مسئولیت اجتماعی در قبال آن تأثیر بگذارند (Rafter & Brown, 2024: 408).

۴. نکته حائز اهمیت در جرم شناسی جنسیت محور آن است که این رویکرد تنها به مطالعه زنان نمی پردازد، بلکه مردان را نیز مورد توجه قرار می دهد. به عبارت بهتر، جرم شناسی جنسیت محور به دنبال تجزیه و تحلیل چگونگی برخورد نابرابری های جنسیتی با دیگر نابرابری های چندگانه از جمله طبقه گرایی، نژادپرستی، کلاسیک گرایی و تبعیض بر مبنای سالخوردگی و کم توانی است که سبب ایجاد سیستم به هم پیوسته از ظلم و بی عدالتی می شود و زندگی روزمره زنان و مردان را تحت تأثیر قرار می دهد. (DeKeseredy & Dragiewicz, 2019: 113).

رویکرد جنسیت‌محور جرم‌شناسی، راه جبران کاستی‌های مطالعات جرم‌شناسی سنتی را در افزایش پژوهش‌های جرم‌شناسی درباره زنان اعلام می‌کند تا از این طریق تبیین‌های درست و واقعی از مجرمیت زنان به‌دست آید. (Shojaei, 2003: 59). این رویکرد با تأکید بر تجربیات و شرایط خاص زنان در ارتکاب جرم، به دنبال ایجاد توازن در تحلیل‌های جرم‌شناختی و ارائه تصویری دقیق‌تر از پدیده بزهکاری بر مبنای عنصر جنسیت است.

فیلم «زن و بچه» به کارگردانی سعید روستایی با سبک رئالیسم اجتماعی، منبعی مناسب برای بررسی اندیشه‌های جرم‌شناسی است. دلیل انتخاب فیلم، قابلیت تبیین جنبه‌های مختلف نظریات جرم‌شناسی جنسیت‌محور و جدید بودن فیلم است. همچنین، رویکرد جنسیت‌محور از آن جهت اتخاذ شده که دغدغه اصلی فیلم، مسئله زنان بوده و وضعیت آن‌ها در جامعه ایران را بازنمایی می‌کند. مسئله این پژوهش آن است که با وجود گسترش مطالعات جرم‌شناسی، اما همچنان ابعاد جنسیت‌محور جرایم به طور دقیق بررسی نمی‌شود. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا بر اساس رویکرد جنسیت‌محور، تحلیلی جرم‌شناختی از فیلم «زن و بچه» با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی ارائه شود. براین اساس، سؤالات پژوهش بدین شرح است: چگونه بازتولید نقش‌های جنسیتی و سازوکارهای کنترل قدرت در جوامع پدرسالار که در فیلم بازنمایی شده است، می‌تواند بر الگوهای بزهکاری و بزه‌دیدگی زنان تأثیر بگذارد؟ ساختارهای تبعیض‌آمیز و نابرابری‌های جنسیتی در فیلم «زن و بچه»، چگونه به ارتکاب جرایم مقاومتی از سوی زنان منجر می‌شود؟ کنترل‌های افتراقی مبتنی بر نقش‌های جنسیتی، چگونه به طبیعی‌سازی و مشروعیت‌بخشی به انحرافات مردانه انجامیده و در مقابل، هرگونه تخطی زنان از هنجارهای مسلط را با واکنش‌های سرزنش‌گرانه و کنترلی مواجه می‌سازد؟ به بیان دیگر، نظم گفتمانی مردسالار چگونه به تعریف، تفسیر و صورت‌بندی جرم و انحراف در فیلم می‌پردازد؟ براین اساس، ابتدا مروری کوتاه بر پیشینه بحث، بیان و پس از آن روش‌شناسی پژوهش مطرح می‌شود. سپس، مبانی نظری تحقیق تبیین و در نهایت، پس از تحلیل یافته‌ها، نتیجه حاصل از این پژوهش بیان می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات حوزه سینما با تأکید بر مفاهیمی چون قدرت، هویت و جنسیت، در دهه‌های اخیر در کانون توجه جرم‌شناسی قرار گرفته است. دانش ناری و نثاری جوان (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی رویکردهای جنسیت‌محور در آثار سینمایی ایران؛ نمونه پژوهی فیلم مستانه» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، فیلم مستانه را بر اساس رویکردهای جنسیت‌محور ارزیابی می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بزه‌دیده جرم تجاوز به‌دلیل هژمونی تفکر مردسالارانه به نوعی بزهکارانگاری می‌شود و مورد سرزنش جامعه قرار می‌گیرد. در مقاله دیگری تحت عنوان «نشانه‌شناسی تصویر زنان بزه‌دیده در فیلم‌های سینمایی ایران»، دانش ناری و نثاری جوان (۲۰۲۱) باز از روش نشانه‌شناسی، زنان بزه‌دیده را در قالب چند فیلم سینمایی بررسی می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که در فیلم‌های سینمایی ایرانی، اغلب جرایم علیه زنان توسط مردان ارتکاب می‌یابد و همچنین، ارتباط مستقیمی میان شدت بزه‌دیدگی با منفعل بودن زنان وجود دارد. عباچی و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی از بازنمایی بزه‌دیدگی زن در پرتو سبک زندگی در فیلم سینمایی رگ خواب» به بررسی بازنمایی بزه‌دیدگی زنان در فیلم رگ خواب با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فیلم، سبک زندگی ریسک‌مدار را موجب تسهیل بزه‌دیدگی شخصیت اصلی تلقی می‌کند و به‌دلیل نبود حمایت اجتماعی و قانونی، زنان بزه‌دیدگی مکرر و ثانویه را تجربه می‌کنند.

در پژوهش‌های خارجی، کتاب «زنان، خشونت و رسانه»^۱ اثر درو همفریز^۲ (۲۰۰۹) با رویکرد جرم‌شناسی فمینیستی به بررسی پیوند میان بازنمایی رسانه‌ای، جنسیت و خشونت می‌پردازد.

1. Women, Violence and Media.
2. Drew Humphries.

این اثر نشان می‌دهد که رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به درک عمومی از جرم، خشونت و بزه‌دیدگی زنان دارند و بازنمایی‌های رسانه‌ای اغلب در چارچوب کلیشه‌ها و مفروضات مردسالارانه صورت می‌گیرد. کتاب در سه بخش تنظیم شده است: بخش نخست با تمرکز بر «ساختارهای جنسیتی بازنمایی» به نحوه تصویرسازی خشونت جنسیتی در رسانه‌های مختلف، از جمله مطبوعات و سینما، می‌پردازد؛ بخش دوم به مباحثی مانند زن‌کشی، خشونت خانگی و خشونت جنسی در جنگ و نحوه بازنمایی آن‌ها در رسانه‌ها اختصاص دارد؛ و بخش سوم تلاش‌هایی را بررسی می‌کند که در پی بازاندیشی و تغییر تصویر زنان در روایت‌های رسانه‌ای هستند. یافته‌های این کتاب نشان می‌دهد که رسانه‌ها در بازتولید یا به چالش کشیدن الگوهای جنسیتی مرتبط با جرم و بزه‌دیدگی نیز نقش فعالی ایفا می‌کنند. این اثر بر اهمیت تحلیل جرم‌شناختی بازنمایی زنان و خشونت در متون رسانه‌ای و سینمایی تأکید دارد. اقصی مریم و سعید عرفان علی در مقاله «زنان به‌عنوان بزه‌دیده و مرتکبان خشونت در فرهنگ عامه^۱» (۲۰۲۶)، با تحلیل بازنمایی زنان در فیلم‌های کاپیتان مارول (۲۰۱۹) و زن شگفت‌انگیز (۲۰۱۷) و با اتکا به فمینیسم پس‌اساختارگرا و روش تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که هویت‌ها و نقش‌های جنسیتی در رسانه برساخته‌های گفتمانی‌اند و در چارچوب مناسبات قدرت شکل می‌گیرند.

یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که با وجود افزایش حضور زنان در روایت‌های سینمایی، بازنمایی آن‌ها همچنان غالباً در دوگانه‌هایی چون «بزه‌دیده» یا «مرتکب خشونت» سامان می‌یابد و بدین ترتیب، پیچیدگی تجربه‌های زنان در موقعیت‌های خشونت و تعارض نادیده گرفته می‌شود. این نتایج بر اهمیت بررسی انتقادی بازنمایی زنان و سازوکارهای گفتمانی شکل دهنده به خشونت و بزه‌دیدگی در متون رسانه‌ای تأکید می‌کند. اغلب پژوهش‌های پیشین تمرکز خود را عمدتاً بر بازنمایی بزه‌دیدگی زنان در سینما معطوف کرده‌اند و کمتر به پیوند میان بزه‌دیدگی و بزهکاری زنان در بستر نظم گفتمانی، جرم‌شناسی جنسیت‌محور پست‌مدرن و ساختارهای جنسیتی قدرت پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با تحلیل فیلم «زن و بچه» می‌کوشد این پیوند را در چارچوب رویکردهای جنسیت‌محور جرم‌شناسی انتقادی بررسی کند.

۲. روش تحقیق

این نوشتار از روش تحلیل محتوای کیفی برای ارزیابی و تحلیل داده‌های فیلم استفاده می‌کند. «تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی است برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها» (Krippendorff, 2024: 25). روش تحلیل محتوا را می‌توان در تمام اشکال ارتباطات به کار بست. در یک تعریف عام، تحلیل محتوا به هر تکنیکی اطلاق می‌شود که برای استنباط نظام‌مند و عینی ویژگی‌های خاص پیام‌ها به کار می‌رود. برخی نیز تحلیل محتوا را یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل مطالعات کیفی می‌دانند که به وسیله آن داده‌ها، خلاصه، توصیف و تفسیر می‌شوند (Momenirad, 2013: 188-191).

فیلم «زن و بچه» با روش نمونه‌گیری هدفمند که متداول‌ترین روش در مطالعات کیفی می‌باشد، انتخاب شده است. در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار^۲ استفاده شده است. انتخاب این روش به دلیل ماهیت پژوهش است که بر پایه چارچوب‌های نظری موجود در جرم‌شناسی جنسیت‌محور هدایت می‌شود تا مفاهیم و روابط میان آن‌ها را در متن سینمایی واکاوی کند (Hsieh & Shannon, 2005: 1277). فرایند تحلیل بدین صورت بود که ابتدا با چندین بار تماشای فیلم، سکانس‌ها و دیالوگ‌های کلیدی با تمرکز بر مؤلفه‌های نظری استخراج شدند. اگرچه کدهای اولیه با رویکردی باز و با توجه به محتوای مستخرج از متن استخراج شدند، اما در مرحله تحلیل نهایی، داده‌ها در ذیل مقوله‌های نظری از پیش تعیین شده (مبتنی بر اهداف پژوهش) دسته‌بندی گردیدند. بدین ترتیب، دیالوگ‌ها و کنش‌های معنادار فیلم به‌عنوان واحدهای تحلیل مشخص شده است. تعداد ۴۵ واحد تحلیل از فیلم «زن و بچه» در مرحله اول استخراج شده و بعد از کدگذاری باز، کدهای مشترک ابتدا در زیرمقوله‌ها و سپس ذیل مقوله‌های اصلی قرار گرفته‌اند.

^۱. Women as a Victim and Perpetrator of Violence in Popular Culture.

^۲. Directed Content Analysis.

۳. گذری کوتاه بر فیلم

فیلم «زن و بچه» تازه‌ترین اثر سعید روستایی در مرداد ماه سال ۱۴۰۴ روی پرده سینما آمد. این فیلم، روایت زندگی زنی ۴۵ ساله به نام مهناز است که همسر خود را از دست داده و همراه دو فرزند، مادر و خواهرش زندگی می‌کند. پسر نوجوان وی، علیر، در مدرسه قماربازی می‌کند و به دلیل دردهای که در مدرسه ایجاد می‌کند، اخراج می‌شود. این واقعه، سرآغاز اتفاقات زنجیروار تلخی است که شخصیت مهناز را متحول می‌کند.

مهناز، پرستاری است که برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، دو شیفت مشغول به کار است و در محیط کاری با فردی به نام حمید ارتباط دارد. حمید، مردی ۴۸ ساله است که هرگز ازدواج نکرده و اکنون به دلیل وصیت پدرش مبنی بر انتقال تمامی اموال به نوه‌ها، برای ازدواج با مهناز اصرار می‌ورزد. وی در عین حال از مهناز می‌خواهد ولدینش از وجود فرزندان او مطلع نشوند. در نتیجه، مهناز فرزندان خود، علیر و ندا، را به پدر بزرگ آن‌ها می‌سپارد. در جریان مراسم خواستگاری، حمید به خواهر کوچک‌تر مهناز، مهری، علاقه‌مند می‌شود و از او خواستگاری می‌کند. در این میان، علیر طی مشاجره و درگیری با پدر بزرگ از پنجره سقوط کرده و جان خود را از دست می‌دهد. پس از این حادثه، مهناز که امکان پیگیری قانونی برای تحقق عدالت را نمی‌یابد، به انتقام‌جویی روی می‌آورد که در روایت فیلم در قالب اقدام به قتل سام‌خانین (تصادف عمدی با ماشین) و پدر بزرگ (قطع دستگاه اکسیژن در بیمارستان) توسط او تجلی می‌یابد.

۴. مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش ذیل عناوین جرم‌شناسی جنسیت‌محور پست‌مدرن، بزه‌دیده‌شناسی جنسیت‌محور و کنترل‌های افتراقی بر اساس رویکردهای جنسیت‌محور بیان خواهد شد. سه رویکرد نظری یاد شده به صورت مکمل برای شکل‌دهی به تحلیل ساختار به کار گرفته شده‌اند. نظریه کنترل قدرت بستر ساختاری روابط قدرت و الگوهای کنترل جنسیتی در خانواده را توضیح می‌دهد؛ بزه‌دیده‌شناسی جنسیت‌محور پیامدهای این ساختارها را در قالب تجربه بزه‌دیدگی و سرزنش بزه‌دیده تبیین می‌کند؛ و در نهایت جرم‌شناسی جنسیت‌محور پست‌مدرن نشان می‌دهد که این روابط و تجربه‌ها چگونه در سطح زبان، بازنمایی و برساخته می‌شوند. بدین ترتیب، ترکیب این سه دیدگاه امکان تحلیل چندسطحی فیلم را فراهم می‌کند که در آن، ساختارهای قدرت، تجربه بزه‌دیدگی و بازنمایی گفتمانی به طور همزمان مورد بررسی قرار گیرند.

۱.۴. جرم‌شناسی جنسیت‌محور پست‌مدرن

رویکرد جنسیت‌محور پست‌مدرن در جرم‌شناسی، به جای پاسخ به پرسش‌های سنتی در خصوص بزهکاری و بزه‌دیدگی زنان، توجه خود را معطوف به ساختارهای زبانی و گفتمانی مسلط بر نظام عدالت کیفری می‌کند. مهم‌ترین مشخصه جرم‌شناسی جنسیت‌محور پست‌مدرن، تلاش برای شالوده‌شکنی گفتمان مسلطی است که ساختار نظام عدالت کیفری را شکل داده است. براین اساس، گفتمان پدرسالار حاکم بر قوانین و محاکم قضایی، عامل اساسی در ایجاد و تداوم سلطه مردانه و در نتیجه، محدودسازی دسترسی زنان به عدالت کیفری است (Vahed et al, 2021: 346).

نظریه پردازان پست‌مدرن قائل به عینیت و حقیقت نیستند و به زعم آن‌ها، حقیقت یک امر نسبی است. از این رو، در جرم‌شناسی پست‌مدرن، نگاه به جرم به عنوان یک واقعیت عینی جایگاهی ندارد، بلکه به جای آن، آسیب‌های موقتی، زودگذر و قابل تغییر مطرح می‌شود. جرم‌شناسان پست‌مدرن با جامعه‌شناسانی هم‌نظرند که جرم را برساختی اجتماعی^۱ و در اصل به مثابه صدمه و خسارت

۱. برساخت‌گرایی اجتماعی چنین استدلال می‌کند که آنچه افراد در جامعه به مثابه واقعیت ادراک و تجربه می‌کنند، محصول کنش متقابل اجتماعی میان افراد و گروه‌ها است (Daneshnari & Nesari Javan, 2020: 45). این گزاره در رویکردهای جنسیت‌محور نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در این چارچوب، می‌توان جنسیت را به مثابه برساختی اجتماعی تعریف کرد که در بستر تعاملات، هنجارها و نهادهای جامعه تولید و بازتولید می‌شود. نگرش‌های جنسیت‌محور بر این باورند که ارزش‌گذاری‌های متفاوت بر اساس جنسیت در بافتار جوامع نهادینه شده و این تبعیض‌های جنسی ویژگی بارز نظام

تلقی می‌کنند. منبع اصلی این صدمه، ساختار قدرت است که تأکید ویژه آن بر زبان است. به عبارت دیگر، این شاخه از جرم‌شناسی برای جرم و قانون، حقیقت ذاتی قائل نیست (Najafi Abrandabadi and Goldouzian, 2017: 24). بنابراین، در این رویکرد، مفهوم انحراف به‌عنوان یک مقوله گفتمانی بررسی می‌شود که در شبکه‌ای از هنجارها، روایت‌ها و سازوکارهای قدرت، تولید و تثبیت می‌گردند.

نظام تولید حقیقت در جرم‌شناسی جنسیت‌محور پست‌مدرن بر این پایه استوار است که قواعد مسلط بر جامعه تعیین می‌کنند کدام روایت درباره زنان و مردان معقول، اخلاقی و قابل پذیرش محسوب می‌شود. این نظام با تولید دوگانه‌های هنجاری مبتنی بر جنسیت (مانند مادر خوب و مادر بد)، زمینه قضاوت درباره مسئولیت، تقصیر و شایستگی را فراهم می‌کند و به بازتولید سلسله مراتب جنسیتی منتهی می‌شود. در نتیجه، گفتمان مسلط بر جامعه، نوعی اخلاق جنسیتی تولید کرده که سازوکار زندگی خصوصی و عمومی زنان را تنظیم می‌کند و آن‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که باید برای انتخاب‌ها و سبک زندگی خود پاسخگو باشند. تلقی جرم‌شناسان جنسیت‌محور پست‌مدرن مبنی بر آن که جنسیت یک موضوع اساسی و جرم یک مسئله فرع بر آن محسوب می‌شود (Rayejian Asli, 2022: 383)، عمیقاً با مفهوم برساخت اجتماعی جنسیت گره خورده است. اندیشمندان برساخت‌گرای اجتماعی، با نقد شناخت عمومی و ارزش‌های اخلاقی غالب در حوزه جنسیت و با آشنایی‌زدایی از زندگی روزمره جنسیتی، افراد را به بازنگری باورهای رایج و الگوهای رفتاری به اصطلاح طبیعی ترغیب می‌کنند (Akbari et al, 2023:26). کیمل^۱ در کتاب جامعه جنسیت‌زده^۲ به این موضوع اشاره می‌کند که جنسیت یک امر ذاتاً ثابت نیست، بلکه توسط نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، محل کار و طبقه اجتماعی بازتولید می‌شود (Kimmel, 2000: 111-200). بنابراین، جنسیت ساختی اجتماعی است و نه یک ویژگی از پیش تعیین شده زیستی (Daneshnari & Nesari Javan, 2020: 51). درک جنسیت به‌عنوان برساخت اجتماعی، پیش‌فرض‌های بدیهی جنسیتی در جامعه را با چالش مواجه می‌کند و نظام معانی و مفاهیم در جامعه مردسالار را زیر سؤال می‌برد^۳.

۲.۴. بزه‌دیده‌شناسی جنسیت‌محور

بزه‌دیده یکی از ارکان اصلی پدیده مجرمانه به شمار می‌آید و بزه‌دیده‌شناسی حمایت از بزه‌دیدگان، توجه به حقوق آن‌ها و پیشگیری از بزه‌دیدگی را دنبال می‌کند. یکی از مهم‌ترین رویکردهای بزه‌دیده‌شناسی، رویکرد جنسیت‌محور است (Mohsenpour, 2015: 1). در این پژوهش، این چارچوب برای تحلیل نحوه بازنمایی تجربه بزه‌دیدگی شخصیت‌های زن در فیلم و سازوکارهای سرزنش یا نادیده‌گرفتن آسیب مرتبط با آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بزه‌دیده‌شناسان جنسیت‌محور با نقد جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی سنتی که در پژوهش‌ها و مطالعات خود زنان را نادیده گرفته‌اند، خواستار اصلاح و بازنگری در این حوزه‌ها هستند. بزه‌دیده‌شناسان جنسیت‌محور با نگاهی انتقادی نسبت به وضعیت زنان، تلاش می‌کنند از حقوق و جایگاه آن‌ها در جامعه حمایت کرده و زمینه کاهش یا پیشگیری از بزه‌دیدگی را فراهم آورند.

ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، اعتقادات و آداب و رسوم یک جامعه نقش مؤثری در نگرش به بزه‌دیدگی افراد دارد. در جامعه‌ای که زنان موجوداتی پایین‌تر از مردان و درجه دوم قلمداد می‌شوند، در معرض انواع تبعیض‌ها و تضييع حقوق انسانی قرار می‌گیرند.

اجتماعی مردسالار است که در آن مردان بر زنان مسلط هستند (DeKeseredy & Dragiewicz, 2018: 159- ; KeramatiMoez, 2024: 82). (160)

1. Kimmel.

2. The gendered society.

۳. رویکردهای پست‌مدرن در جرم‌شناسی جنسیت‌محور بر نقش زبان، گفتمان و فرایندهای برساخت اجتماعی در شکل‌گیری مفاهیم جرم، انحراف و بزه‌دیدگی تأکید دارند. از این منظر، معناهای مرتبط با جرم و مسئولیت محصول روابط قدرت و نظام‌های گفتمانی هستند. در این پژوهش، این رویکرد به‌عنوان ابزاری برای بررسی چگونگی بازنمایی و برساخت گفتمانی بزه‌دیدگی زنان در دیالوگ‌ها و تعاملات روایی فیلم «زن و بچه» به کار گرفته می‌شود.

اما، این نوع بزه‌دیدگی به دلیل آمیختگی با فرهنگ و نگرش جامعه چندان مورد اعتراض واقع نمی‌شود (Davoodi, 2009: 91-92). در این فضا، خشونت علیه زنان از وضعیت فرودست آن‌ها در رابطه با مردان و نظام خانوادگی پدرسالار ناشی می‌شود و تبیین آن در نظریه‌های یادگیری اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی و تضاد منابع، تنها در چهارچوب ساختارهای فرهنگی پدرسالار معنادار است (Karizi, 2013: 41). در مطالعات جرم‌شناسی جنسیت‌محور، زنان علاوه بر بزه‌دیدگی در جرایم مرسوم همچون خشونت خانگی، بهره‌کشی، تجاوز و آزارهای خیابانی، قربانی ساختارهای ناشی از اجحاف تاریخی، اجتماعی و اقتصادی واقع می‌شوند (Daneshnari & Nesari Javan, 2021: 133) که در قوانین، اقتصاد و فرهنگ ریشه دوانده و میراث پدرسالاری است که زنان را به بزه‌دیده ساختارهای تبعیض‌آمیز واقع می‌سازد.

بزه‌دیده‌شناسی پوزیتیویستی عموماً بر تعاریف حقوقی جرم تکیه کرده و برداشت قانونی از بزه‌دیده ارائه می‌دهد، اما بزه‌دیده‌شناسی رادیکال و انتقادی^۱ می‌کوشد این مفهوم و کاربست آن را بازخوانی و ساختارشکنی کند (Davies et al, 2017: 10). بزه‌دیده‌شناسی انتقادی، که به‌عنوان نسل سوم بزه‌دیده‌شناسی شناخته می‌شود، رویکردی متفاوت به پدیده بزه‌دیدگی دارد. این دیدگاه، به جای تمرکز صرف بر قربانی یا مجرم، به نظام حقوقی و قضایی یک جامعه به‌عنوان عاملی کلیدی در ایجاد و تشدید بزه‌دیدگی شهروندان نگاه می‌کند. بزه‌دیده‌شناسی انتقادی این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه ممکن است دولت، سیستم عدالت و قوانین، زمینه‌ساز یا حتی تقویت‌کننده بزه‌دیدگی باشند؟ این رویکرد با بررسی و شناسایی اقداماتی در قانون‌گذاری که به نابرابری‌های اجتماعی دامن زده‌اند، یا این نابرابری‌ها را نادیده گرفته‌اند، دولت را در بزه‌دیدگی شهروندان مسؤل می‌شمارد (Bayat, 2021: 1). به عبارت دیگر، این نظریه معتقد است که گاهی اوقات، معمای بزه‌دیدگی را باید در ساختارها و قوانین موجود جست‌وجو کرد. در نتیجه، می‌توان گفت که بدون اصلاح ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نابرابر (بزه‌دیدگی در سطح کلان)، کاهش بزه‌دیدگی زنان ناشی از جرایم (بزه‌دیدگی در سطح خرد) به دلیل اثرات متقابل آن‌ها امکان‌پذیر نیست. بنابراین، بزه‌دیده‌شناسی جنسیت‌محور نشان می‌دهد چگونه ساختارهای اجتماعی، زن را در جایگاه قربانی قرار می‌دهند و در عین حال، نظام عدالت کیفری این ستم‌های ساختاری را نادیده می‌گیرد. با این توضیح، به طور طبیعی این پرسش مطرح می‌شود که واکنش زنان به این تجربه مزمن بزه‌دیدگی چیست؟ آیا ممکن است تجربه بزه‌دیدگی، فرد را به ورطه بزهکاری بکشاند؟ اینجاست که مفهوم جرایم مقاومتی زنان اهمیت می‌یابد؛ «جرایم مقاومتی»^۲ به آن دسته از کنش‌ها گفته می‌شود که در آن افراد تحت سلطه با نقض هنجارهای رسمی به روابط نابرابر قدرت واکنش نشان می‌دهند (Fitzpatrick, 1989: 272). به بیان دیگر، در بزه‌دیده‌شناسی جنسیت‌محور، این مفهوم برای توضیح رفتارهای مجرمانه‌ای به کار می‌رود که انگیزه اصلی آن‌ها پاسخ‌گویی به ساختارهای سلطه، خشونت، سرکوب و نابرابری‌های جنسیتی و فرهنگی است.

بنابراین، کجروی و مجرمیت زنان می‌تواند واکنشی در مقابل بزه‌دیدگی آن‌ها باشد. براین اساس، سلطه و تحت انقیاد بودن زنان، پرخاشگری مردان و کوشش آن‌ها برای سلطه جنسی بر زنان عاملی برای شکل‌گیری جرم از سوی زنان است (Shojaei, 2003: 77). بدین ترتیب، بزهکاری زنان را می‌توان در چارچوب واکنشی نسبت به نظم و فرهنگ مردسالار بررسی کرد. از آن جا که خرده‌فرهنگ‌های جوامع مردسالار اغلب مردانه و خیابان‌محور هستند، زنان در مقابل این فرهنگ‌های رسمی و گفتمان‌های مسلط به اشکال مختلفی مقاومت می‌کنند (Khajenoori & Asiayai, 2024: 195). تجربه بزه‌دیدگی، محدودیت‌های ساختاری،

۱. بزه‌دیده‌شناسان انتقادی تحلیل‌های خود را بر محور مفاهیمی چون قدرت، جنسیت، سلطه و کنترل سامان می‌دهند. هدف آن‌ها واکاوی فرایندهایی است که طی آن‌ها بزه‌دیدگان و تجربه بزه‌دیدگی تولید، بازتولید، حفظ یا حتی انکار می‌شوند.

2. Resistant Crimes.

جرایم مقاومتی زنان به کنش‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها زنان، زیر فشار فرهنگ و ساختارهای پدرسالار، با نقض هنجارهای رسمی به دنبال باز پس‌گیری حقوق، امنیت و آزادی خود برمی‌آیند. این کنش‌ها معمولاً در زمینه‌هایی رخ می‌دهد که راه‌های مشروع اعتراض و دادخواهی مسدود، تبعیض جنسیتی نهادینه و وابستگی اقتصادی تشدید شده است. بدین ترتیب، هنگامی که قانون و نهادها یا جانب‌دارانه عمل می‌کنند یا به کلی در دسترس نیستند، ممکن است جرایم مقاومتی ظهور یابند. از منظر تحلیلی، این الگوها نشانه پیوند میان عاملیت زنان و محدودیت‌های ساختاری هستند.

کنترل‌های جنسیتی و دسترسی نابرابر به منابع، ممکن است زنان را به سوی رفتارهایی سوق دهد که رنگ و بوی مقاومت دارد. این نگرش و خوانش از جرم به دنبال توجیه بزهکاری زنان نیست، بلکه نشان می‌دهد جرایم مقاومتی نشانه تنش میان ساختارهای مردسالار، فرهنگ مسلط و عاملیت زنان است.

۳.۴. نظریه کنترل قدرت

نظریه کنترل قدرت^۱ که جان هاگان و همکاران وی مطرح می‌کنند، تفاوت‌های جنسیتی در آغازگری رفتار مجرمله را توضیح می‌دهد. مطابق این دیدگاه، میزان جرم و بزهکاری تابع دو بُعد بنیادین است، بُعد اول، قدرت (جایگاه طبقاتی) و بُعد دوم، کنترل (کارکردها و سازمان خانواده) (Hagan et al., 1985: 1152). این نظریه برای تحلیل نحوه بازنمایی روابط قدرت در ساختار خانواده و شیوه اعمال کنترل‌های افتراقی بر شخصیت‌های زن و مرد در فیلم به کار می‌رود. هاگان برای فهم پیوند جنسیت و جرم، مناسبات قدرت داخل خانواده را کانون تحلیل قرار می‌دهد. براین اساس، در خانواده‌های پدرسالار، زنان از سهم قدرت کمتری برخوردار هستند و آزادی دختران نسبت به پسران محدودتر است (Winfrey, 2009: 359). در نتیجه، دختران چنان جامعه‌پذیر می‌شوند که تبعیت از قواعد و هنجارها در آنان پررنگ‌تر نهادینه می‌شود. افزون بر این، دختران از برخی فرصت‌های مشروع و معمول پسران، مانند شغل پاره‌وقت محروم می‌مانند و کمتر در معرض موقعیت‌های مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرند، از این رو نرخ بزهکاری آن‌ها پایین‌تر از پسران است (Mina and Amita, 2019: 191). بدین ترتیب، جنسیت سطحی از کنترل اجتماعی را شکل می‌دهد که مردان، به واسطه دسترسی بیشتر به قدرت، کمتر تحت کنترل قرار می‌گیرند و احتمال ارتکاب جرم در آنان بیشتر می‌شود.

دختران بیشتر از پسران توسط مادر کنترل می‌شوند که این امر به نوبه خود باعث می‌شود دختران ریسک‌پذیری کمتری نسبت به پسران داشته باشند (Hagan et al, 1988: 331). بر اساس نظریه کنترل قدرت، ساختار خانواده و میزان سلطه یا غیاب پدران نقش مهمی در شکل‌گیری تفاوت‌های جنسیتی در بزهکاری دارد. حتی در خانواده‌هایی که پدر حضور ندارد و مادر سرپرست خانوار است، الگوهای مشابهی دیده می‌شود؛ یعنی آزادی یا محدودیت‌های اعمال شده همچنان نتایجی شبیه خانواده‌های پدرسالار ایجاد می‌کنند. نکته اساسی این است که وجه مشترک هر دو حالت، رهایی نسبی از سلطه مستقیم مردان است. تحلیل‌های مبتنی بر این نظریه نشان می‌دهد تفاوت‌های جنسیتی عمدتاً در خانواده‌هایی پدیدار می‌شود که ساختار آن‌ها نامتعادل و مردسالار است. در مقابل، در خانواده‌های برابرتر و متعادل‌تر، این تفاوت‌ها کاهش یافته یا از میان می‌رود (Hagan et al, 1987: 813). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که یکی از دلایل نابرابری جنسیتی در بزهکاری، ساختارهای قدرت درون خانواده است و با تغییر این ساختارها و متغیرهای مرتبط، امکان کاهش یا حذف این شکاف وجود دارد.

۵. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، ذیل سه عنوان «سوژه‌سازی جنسیتی و نظم گفتمانی انحراف»، «جرایم مقاومتی» و «کنترل افتراقی جنسیتی و طبیعی‌سازی انحراف مردانه» تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۱.۵. سوژه‌سازی جنسیتی و نظم گفتمانی انحراف

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که فیلم «زن و بچه» مسئله انحراف را درون یک نظم گفتمانی جنسیت‌محور صورت‌بندی می‌نماید که در آن، اعتبار، تقصیر و صلاحیت به‌طور نامتقارن میان زن و مرد توزیع می‌شود. در جرم‌شناسی جنسیت‌محور پست‌مدرن، جنسیت امر ثابتی نیست و در شبکه‌ای از گفتارها، ارزش‌های اخلاقی و صورت‌بندی‌های ساختاری تولید می‌شود.

براین اساس، مسئله محوری در تحلیل حاضر، سازوکارهای برساخت حقیقت‌های جنسیتی و قواعدی است که این حقیقت‌ها را بدیهی، طبیعی و الزام‌آور جلوه می‌دهند. در نتیجه، گفتمان مردسالارانه فقط رفتار درست و نادرست را تعریف می‌کند، بلکه همزمان امکان سرزنش زنان و مشروعیت کنترل آن‌ها را سامان می‌دهد و انحراف مردانه را اخلاقی و مشروع می‌سازد.

در این نظم، نقش مادر به عنوان معیار هویت زنانه عمل می‌کند؛ یعنی از یک سو تقدس می‌یابد و از سوی دیگر، به ابزار سنجش شایستگی تبدیل می‌شود. تبیین‌های جنسیت محور بزهکاری نیز بر جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی و شیوه‌های سلطه مردانه تأکید کرده‌اند (Garrett, 2001: 198). یافته‌ها نشان می‌دهد نقش‌های جنسیتی در روایت فیلم به شکل حقیقت‌های تغییرناپذیر عرضه می‌شوند و تخطی از آن‌ها با تحقیر و سوءظن مواجه می‌گردد. در یکی از دیالوگ‌های فیلم، پدر بزرگ به مهناز می‌گوید: «منم همینو می‌گم، شاید الان بچه باشنا اما بعداً که بزرگ شدن با چشم بد نگاهت می‌کننا...» (جدول ۱). عبارت «با چشم بد نگاهت می‌کنن» نوعی برچسب‌گذاری اخلاقی است که نشان از یک نظم گفتمانی دارد. در این نظم، زبان از طریق القای نگاه قضاوت‌گر جمعی، نوعی سازوکار انضباطی ایجاد می‌کند که زنان را به تبعیت از نقش‌های سنتی سوق می‌دهد و هرگونه فاصله گرفتن از آن‌ها را در افق انحراف و بدنامی اجتماعی قرار می‌دهد. براین اساس، فشار مضاعف بر زنان زمانی تشدید می‌شود که موضوعاتی مانند حضانت و صلاحیت مادر به میدان داورهای جنسیت محور کشیده می‌شود؛ در حالی که زن گرایان تأکید دارند ملاک حضانت باید شایستگی باشد نه جنسیت (Shojaei, 2003: 46-48). منازعه بر سر حضانت در فیلم فقط یک اختلاف خانوادگی نیست، بلکه نمونه‌ای از نحوه تعیین صلاحیت به مثابه ابزار کنترل و تحدید اختیار زنانه است.

در سطح مردانگی، فیلم الگوی دیگری از حقیقت‌سازی را پیش می‌کشد. مردانگی به عنوان نوعی اعمال قدرت و کنترل به شمار می‌رود. در دیالوگ «اگر تو هم‌زمان سر دو تا کار نمی‌رفتی، بچتو جمع می‌کردی درست تربیتش می‌کردی...» که در جدول (۱) آمده، کاربرد ضمیر «تو» و نسبت دادن مستقیم مرگ کودک به اشتغال مادر، مصداقی از توزیع نامتقارن تقصیر و بازتولید یک حقیقت جنسیتی است. در این حقیقت جنسیتی، مسئولیت اصلی تربیت فرزند به طور انحصاری بر عهده زن قرار داشته و از خلال آن، الگوی سرزنش زنانه در چارچوب نظم پدرسالارانه تثبیت می‌شود.

جرم‌شناسان جنسیت محور نشان می‌دهند که برخی کنش‌های ناپهنجار برای مردان کارکرد نمادین در اعمال جنسیت و ساخت هویت مردانه پیدا می‌کند (DeKeseredy, 2023: 74). یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که بخشی از ناپهنجاری‌های مردانه در فیلم، در قالب نمایش اقتدار، جلب توجه و تثبیت موقعیت در نظم جنسیتی معنا می‌یابد و همین معنا، تحمل‌پذیری یا عادی‌سازی آن را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، استانداردهای دوگانه در ارزیابی کنش‌ها مردانه و زنانه در فیلم مشهود است. کنش‌های مشابه، وقتی به مردان نسبت داده می‌شود از امکان توجیه و چشم‌پوشی بیشتری برخوردار است، اما وقتی به زنان نسبت داده می‌شود به نشانه بی‌اخلاقی تبدیل می‌گردد. در نتیجه، انحراف در سطح قواعد داور تولید می‌شود و همین قواعد، روابط قدرت را بازتولید می‌کند.

سرانجام، فیلم نشان می‌دهد که این نظم گفتمانی تنها در سطح خانواده باقی نمی‌ماند و در تعامل با نهادها تثبیت می‌شود. مدرسه، خانواده، بیمارستان و دادگاه در تولید حقایق اجتماعی درباره مسئولیت و تقصیر نقش دارند و از طریق سازوکارهای مختلف، برخی روایت‌ها را معتبر و برخی را بی‌اعتبار می‌سازند. جمع‌بندی این بخش نشان می‌دهد که انحراف در فیلم از مسیر هم‌پوشانی اخلاق‌مندی مردسالار، استانداردهای دوگانه، و کارکردهای نهادی ساخته می‌شود و زنان در این فرایند، در موقعیت پاسخ‌گویی و سرزنش تثبیت می‌گردند. رفتارهای ناپهنجار علیر در فیلم «زن و بچه» از جمله داشتن معشوقه سی ساله، تمسخر ناظم مدرسه، دعوا و درگیری فیزیکی و قمار از جمله رفتارهایی است که برای قدرت‌نمایی، جلب توجه و اثبات مردانگی توسط وی رخ می‌دهد. در حالی که علیر خود معشوقه‌ای سی ساله دارد و در مدرسه عکس او را به عنوان دوست دختر به دیگران معرفی می‌کند، اما این موضوع را حتی به صورت مشروع برای مهناز نمی‌پذیرد. به همین خاطر، مهناز مجبور به پنهان کردن مراسم خواستگاری از علیر می‌شود که نشان از دوگانگی بنیادین در گفتمان نظم جنسیتی حاکم بر فیلم دارد.

جدول ۱- مقوله سوژه سازی جنسیتی و نظم گفتمانی انحراف^۱

زیر مقوله	کدگذاری	داده های خام
نظارت بر بدن و رفتار زنان	پیوند اشتغال زن با ناکارآمدی مادری	پدربزرگ: اگر تو همزمان سر دو تا کار نمی رفتی، بچتو جمع می کردی درست تربیتش می کردی. مهناز: آها الان این که تو زدی بچه منو کشتی افتاد گردن کار کردن من؟ یعنی هر زنی شاغله باید بچشو بکشن؟ قانون جدید؟
	کنترل روابط عاطفی زن بیوه	پدربزرگ: مهناز، اینی که داره میاد خواستگاریت، دوست پسرته؟ مهناز: نه معلومه که نه، این چه سؤالیه اصلاً، همکارمه. پدربزرگ: گفتم نکنه از این زنا شدی که دست بچشونو می گیرن با دوست پسرشون میرن فکر می کنن خیلی امروزیان! مهناز: منم پیام علیار میاد بنظر تون؟ پدربزرگ: منم همینو می گم، شاید الان بچه باشنا اما بعداً که بزرگ شدن با چشم بد نگاهت می کننا... مهناز: همین خواستگار رسمی اش هم فعلاً علیار نباید بفهمه ها.
	مسئولیت پنداری انحصاری مادر در قبال بزهکاری فرزند	سام خانیان: به عنوان یک مادر خبر دارید چه کارهای بدی کرده؟ مهناز: پیش شما بوده. سام خانیان: پس یعنی اگر پیش ما نبود کارهایی که کرده رو نمی کرد؟
	استانداردهای دوگانه نظام حقیقت برای زنان و مردان در شناسایی رفتارهای انحرافی	مهناز: لباس دوما دیات همیشه همراهته یا فقط می خوای بیای مطلب معشوق تو ببینی برشون می داری؟ علیار: مامان!... حالا ما از یکی خوشمون اومده، راه بیا با ما دیگه مهناز: ما از یکی خوشمون بیاد چی؟ با تواما! علیار: (با پر خاشگری) هزار دهن بسته بمونه هیچی نگفتم یعنی هیچی نگو.
	جابه جایی تمرکز از انحراف به افشاگری (معکوس سازی)	حمید: تو واقعاً داری امضا جمع می کنی که من مریضای آمبولانسو خرید و فروش می کنم؟ خب تا کی می خوای ادامه بدی این کاراتو؟ تو با این امضاها می خوای پروانه آمبولانس من باطل کنی؟

۱. منظور از نظم گفتمانی انحراف مجموعه ای از الگوهای زبانی و تفسیری در یک گفتمان اجتماعی است که تعیین می کند چه رفتارهایی انحراف تلقی شوند، چه کسانی به عنوان منحرف برچسب بخورند و چگونه علل و مسئولیت رفتارها، معنا و تبیین شوند.

رابطه بزه‌کار/ افشاگر	
استفاده از ابزار حقوقی برای توجیه انحراف شخصی	پدربزرگ: من اگ می‌خواستم همون پنج سال پیش حضانت جفتشونو ازت می‌گرفتم. مهناز: تو اگ می‌تونستی ی شب عرق نخوری همون اول این کارو می‌کردی. پدربزرگ: می‌خواهی امتحان کنیم؟ مهناز: تهدید براچی؟ تو امتحانتو با علیار خوب پس دادی. پدربزرگ: عروس من با بچه تو یک دعوی ساده کردم این کار رو با باباش هزار بار کرده بودم. مهناز: همیشه توی دعوی سادت یک نفر می‌میره؟
سکوت و پنهان‌سازی انحراف پسران	همکار مهناز: کدوم بچه چهارده ساله طلای واقعی می‌خره برای دختری به سن من؟... مهناز: پولشو از کجا می‌آورده؟ همکار مهناز: قمار بازی می‌کرده. مهناز: قمار؟ چجوری؟ کجا... همکار مهناز: مدرسه.

۲.۵. جرایم مقاومتی

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد بزه‌دیدگی زنان در فیلم «زن و بچه» در پیوند با ساختارهای قدرت و نابرابری جنسیتی بازنمایی می‌شود. زنان در سطح روابط خانوادگی، شغلی و اجتماعی در معرض خشونت و تبعیض قرار دارند و این امر، آن‌ها را مستعد انواع بزه‌دیدگی و بدل به آماج مناسبی برای ارتکاب جرم می‌کند. در نتیجه، ریشه بسیاری از آسیب‌ها و جرایم علیه زنان را باید در هنجارهای مشروع مردسالاری جست‌وجو کرد؛ هنجارهایی که با طبیعی جلوه دادن برتری مردان، زنان را در موقعیت فرودست تثبیت می‌کنند و این فرودستی را به صورت آشکار یا پنهان بازتولید می‌نمایند. این خوانش با این دیدگاه هم‌راستا است که مردسالاری به لحاظ ساختاری یک سازمان سلسله‌مراتبی است (Daneshnari et al, 2025B: 375) و در این ساختار، زنان با پذیرش یا تحمیل وضعیت فرودست خود، در معرض اشکال متنوع خشونت و تبعیض قرار می‌گیرند. در فیلم، بخشی از این بزه‌دیدگی در قالب خشونت‌های پنهان و نگاه ابزاری به زن نمایان می‌شود. دیالوگ ملنگار این فیلم؛ یعنی «تو دلت زن و بچه نمی‌خواست، تو دلت زن بچه می‌خواست» خود از نظم مردسالارانه و مالکیت‌خواهانه حکایت دارد که خشونت پنهان و نگاه ابزاری به زن را نمایان می‌سازد.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد بزه‌دیدگی زنان در فیلم تنها در سطح خرد باقی نمی‌ماند و در سطح کلان نیز بازتاب می‌یابد؛ به این معنا که مسئله حضانت، به شکلی بازنمایی می‌شود که امکان سلب حضانت از مهناز، به ابزار فشار علیه وی تبدیل می‌گردد. در دیالوگی، وکیل مهناز به او می‌گوید: «پدرشوهرتون که هر وقت بخواد می‌تونه اقدام کنه به گرفتن حضانت دخترتون با این شاهدها و امضا جمع کردنا عین آب خوردن بچه رو می‌گیره» (جدول ۱). بنابراین، در «زن و بچه»، زنان نه فقط با خشونت‌های فردی، بلکه با ناامنی ساختاری نیز مواجه هستند. علاوه‌براین، قوانین مربوط به قصاص و عدم امکان قصاص ولی قهری (پدر بزرگ در فیلم) نمونه دیگر از این موضوع است. بدین ترتیب، نابرابری ساختاری می‌تواند به عنوان متغیری جرم‌زا و آسیب‌زا بر گروه‌های تحت سلطه اثر بگذارد (Daneshnari et al, 2024: 172) و از مسیر قواعد و رویه‌ها، نابرابری را بازتولید نماید. به‌طور کلی، فیلم نشان می‌دهد سوگیری جنسیتی قوانین و رویه‌ها چگونه زنان را در معرض بزه‌دیدگی پنهان قرار می‌دهد و تجربه آن‌ها از عدالت را با محدودیت‌های جدی روبه‌رو می‌سازد.

همچنین، یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که واکنش زنان فیلم در برابر تجربه مزمن بزه‌دیدگی، صرفاً انفعال و پذیرش نیست، بلکه به اشکال مختلفی از مقاومت و کنشگری نیز می‌انجامد. به بیان دیگر، عاملیت زنانه در فیلم در بستر فشارهای عاطفی و کنترل‌های جنسیتی نمود پیدا می‌کند و از دل همین فشارهاست که کنش‌های اعتراضی و تلاش برای تغییر وضعیت شکل می‌گیرد. جرایم مقاومتی می‌تواند در قالب واکنش افراد تحت سلطه به روابط نابرابر قدرت فهم شود (Fitzpatrick, 1989: 272). در نتیجه، برخی رفتارهای قانون‌ستیز زنانه در روایت فیلم، واکنشی نسبت به وضعیت سلطه، تحقیر و بی‌عدالتی قابل درک است که میان تجربه بزه‌دیدگی و امکان بزهکاری پیوند برقرار می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پژوهشی همخوان است که نشان می‌دهد زنانی که مرتکب قتل می‌شوند، در بسیاری از موارد خود پیش‌تر بزه‌دیده خشونت بوده‌اند (White & Hines, 2006: 272). به باور جرم‌شناسان منتقد، جرم محصول ساختارهای سلطه و سرکوبی است که بر افراد جامعه اعمال می‌شود (Daneshnari et al, 2025 A) به عبارتی، فشارهای اجتماعی جامعه مردسالار بر زنان فیلم که جرم‌شناسان از آن با عنوان فشارهای جنسیتی یاد می‌کنند، زمینه را برای اقدامات مجرمانه آن‌ها هموار می‌کند.

به‌طور کلی، فیلم «زن و بچه» با کنار هم گذاشتن بزه‌دیدگی‌های خرد و کلان، نشان می‌دهد چگونه فشارهای جنسیتی و مناسبات مردسالار می‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری بزه‌دیدگی، مقاومت و کنشگری فراهم کند. در این چارچوب، مقاومت زنانه، نشانه تنش میان نظم مردسالار و عاملیت زن است که گاه در قالب سکوت و تحمل و گاه در قالب اعتراض و اقدام بروز می‌یابد. بنابراین، یافته‌های این قسمت بر این موضوع دلالت دارد که تجربه بزه‌دیدگی زنان در فیلم، هم محصول ساختارهای نابرابر است و هم می‌تواند به نقطه آغاز مقاومت و بازتعریف جایگاه زن در برابر نظم مسلط تبدیل شود؛ خوانشی که در ادبیات جرم‌شناسی جنسیت‌محور نیز به صورت مشخص بر پیوند میان سلطه جنسیتی و شکل‌گیری برخی واکنش‌های قانون‌ستیزانه تأکید شده است (Shojaei, 2003: 77؛ Khajenoori & Asiyayi, 2024: 195). اقدام مهناز به قطع دستگاه اکسیژن و تلاش برای قتل پدرشوهر (جدول ۲)، نمونه‌ای از جرم مقاومتی است که در واکنش به سرکوب ساختاریافته و عدم دسترسی به ابزارهای مشروع به وقوع می‌پیوندد. در واقع، قطع اکسیژن توسط او، تلاشی ناخودآگاه برای قطع جریان حیاتی قدرت است که سال‌ها او را در وضعیت فرودستی نگاه داشته و ارتکاب رفتار مجرمانه، آخرین سنگر او است که در ساختار قدرت رسمی، صدایی برای شنیده شدن ندارد.

جدول ۲- جرایم مقاومتی

داده‌های خام	کدگذاری	زیرمقاله
مهری: جداشم که بیاد بچمو بگیره ببره. مهناز: بچه تا هفت سالگی مال مامانشه. مهری: قشنگ هفت سال دلبسته شم بعد که جدا شد خودمو مثل تو بکشم.	آسیب اجتماعی ترس از سلب حضانت	قوانین تبعیض‌آمیز و بزه‌دیدگی ساختاری زنان؛ زمینه بروز جرم
وکیل: شما فرض کنید بتونیم ثلث کنیم قتل عمد بوده بعدش می‌خواید باهاش چیکار کنید؟ بندازیدش زندان یا چی؟ اگر هدفتون اینه که قصاصش کنید نمی‌تونید این کار رو بکنید، چون پدر شوهر خودش ولی دمه ^۱ ، یعنی اگر مشخصاً قاتل هم بودی مدت میفتاد زندان، سیستم قضایی ما بیشتر از این با این با ولی دم برخوردی نمی‌کنه.	مصنوعیت ولی قهری از مجازات قصاص به واسطه ساختارهای حقوقی	
وکیل: پدرشوهرتون که هر وقت بخواد می‌تونه اقدام کنه به گرفتن حضانت دخترتون با این شاهدها و امضا جمع کردن عین آب خوردن بچه رو می‌گیره.	برتری حقوقی مردان در خصوص حضانت	
سکانس تصادف عمدی مهناز با ماشین سام‌خانیان (نوشته ی جوری زدن که هم خودتونو بکشین هم اونو).	اقدام به قتل ناظم مدرسه	انتقام‌جویی خشونت‌آمیز
سکانس قطع کرن دستگاه اکسیژن توسط مهناز و اقدام به قتل عقیم پدرشوهر.	اقدام به قتل ولی قهری	
حمید: من عاشق بچه بودم توام از بچه داری خسته بودی، معلوم نبود... مهناز: چی معلوم نبود؟ شک داشتی که بازم بچه دار بشم یا نه؟ حمید: شک داشتم که بخوای بازم بچه دار شی... تو هیچ دوست و رفیقی نداشتی همه کست من بودم، منم از این که همه کس یک نفر باشم بدم میومد. می‌ترسیدم مهناز، من از یک جایی به خاطر عذاب وجدان داشتم باهات ادامه می‌دادم... من ایراد زیاد داشتم ولی تو به خاطر ایرادایی که می‌تونی بگیشون ول نکردی، به خاطر چیزایی که نمی‌تونی بگیشون ول کردی، به خاطر چیزایی که انقدر زشت و کثیف و شرم‌آورن که هیچ‌وقت روت نمیشه به زبون بیاریشون. حمید: مثلاً؟ مهناز: تو دلت زن و بچه نمی‌خواست، تو دلت زن بچه می‌خواست.	استفاده ابزاری و تبدیل زن به ابژه جنسی خشونت پنهان علیه زنان؛ زمینه‌ساز بستر مقاومت	

۱. مطابق ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی: «ولی دم، همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد» و بر اساس ماده ۸۶۲ قانون مدنی: «اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد ۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آن‌ها ۳- اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آن‌ها». طبقات پایین‌تر هنگامی ارث می‌برند که کسی از طبقه بالاتر حضور نداشته باشد. بدین ترتیب، ولی دم شامل افراد گستره‌ای می‌شود، در حالی که حکم به عدم قصاص فقط مختص پدر، جد پدری و هر چه بالاتر است و تمام اولیا دم را در بر نمی‌گیرد؛ کما این که اگر قتل عمد توسط مادر انجام شود، با وجود آن که ولی دم به شمار می‌آید، امکان اجرای قصاص وجود دارد. لذا در این مورد فیلم دچار اشتباه حقوقی شده است.

پدربزرگ: مهناز اگر دنبال قاتل بچتی که بکشیش؛ راحت بشی، قشنگ برو یک گوشه هم خودتو بکش راحت میشی هم ما.	خشونت کلامی علیه زنان در خانواده
مهری: یک بار تو دعوا گفت تو که به خواهر خودت رحم نکردی معلومه نمیشه روت حساب کرد... چیشد اینو گفت؟ وقتی گفتم شغلشو عوض کن، وقتی گفتم دوست ندارم بچمو تو خونه‌ای که از دوست دختر قبلیت بالا کشیدی بزرگ کنم.	تحقیر اخلاقی زنان در خانواده
حمید: بنظرم تو همون ی دونه دخترتو سفت بچسب. مهناز: چی گفتی؟ حمید: بهت گفته بودم دست از سر زندگی من بردار مهناز، بالاخره کسی که خودکشی می‌کنه صلاحیت نگهداری بچه نداره دیگه.	کنترل از طریق ترس و تهدید

۳.۵. کنترل افتراقی جنسیتی و طبیعی‌نمایی انحراف مردانه

میان اجتماعی کردن پسران و دختران در خانواده اختلاف فرهنگی وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر، دختران نسبت به پسران تحت نظارت تنگاتنگ‌تری قرار دارند و آن‌ها می‌آموزند که تبعیت‌پذیرتر باشند، در حالی که پسران از آزادی بیشتری برخوردارند و حتی به پرخاشگری و جاه‌طلبی تشویق می‌شوند (Shojaei, 2003: 33). بنابراین، احتمال ریسک‌پذیری و قانون‌شکنی از سوی فرزندان پسر به دلیل کنترل افتراقی آن‌ها نسبت به دختران بیشتر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در فیلم «زن و بچه» کنترل و نظارت خانواده به وضوح جنسیتی است. در این فیلم، خانواده مهناز همگی نسبت به رفتارهای انحرافی علیار با مسامحه و نوعی پذیرش ضمنی برخورد می‌کنند، اما مادر مهناز همچنان رفتارهای دختران خود را کنترل می‌کند و حتی نسبت به دیر رسیدن مهری به خانه این چنین واکنش نشان می‌دهد: «این ساعت اومدن فرقتش با نیومدن چیه؟ مهری: از این به بعد خبر میدم. مادر: خبر بدی از حجم کثافتت کم میشه؟» (جدول ۳).

موضوع مهم دیگری که فیلم بارها به آن اشاره می‌کند، طبیعی‌سازی و عادی‌انگاری انحرافات مردانه است. در ابتدای فیلم مشخص می‌شود که حمید مریض‌های آمبولانس را خرید و فروش می‌کند و همچنین، آمبولانس را به افراد بی سرپناه اجاره می‌دهد، اما این رفتار حمید از نظر مهناز در قالب نقش جنسیتی مرد که مسئولیت کسب درآمد و نان‌آور خانه است، رفتاری مجرمانه تلقی نمی‌شود. همچنین، مهناز در تمام فیلم نسبت به رفتارهای علیار رویکردی توجیه‌گرانه اتخاذ می‌کند. مهناز علاوه بر آن که تلاشی برای اصلاح رفتار علیار از خود نشان نمی‌دهد، با نوازش و دلسوزی‌های بی‌مورد، موجب موجه‌سازی و مشروعیت‌بخشی به رفتارهای کجروانه وی می‌شود. وی در یکی از دیالوگ‌ها در توجیه رفتارهای انحرافی علیار در مدرسه (از جمله قمار و درگیری فیزیکی) می‌گوید: «این شیطنتا تو این سن طبیعیه از همه بچه‌ها سر میزنه» (جدول ۳). شیوه برخورد مبتنی بر مسامحه در مواجهه با رفتارهای انحرافی مردان ریشه در ساختارهای کنترلی بر مبنای جنسیت دارد و بدین ترتیب، ارتکاب رفتارهای انحرافی از سوی مردان به نوعی مشروعیت می‌یابد. این طبیعی‌سازی با نظریه کنترل قدرت مطابقت دارد؛ زیرا در خانواده‌های پدرسالار، انحرافات مردانه به عنوان بخشی فرایند اجتماعی شدن مردانه پذیرفته می‌شود و در این ساختار، پسران کمتر تحت کنترل قرار می‌گیرند، در حالی که دختران از آزادی کمتری برخوردارند. در همین راستا، دیالوگ مادر حمید نیز مصداق بارزی از این مکانیزم است. او در واکنش به خواستگاری نامتعارف پسر خود از خواهر مهناز (پیوند یک مرد مسن با دختر جوان)، می‌گوید: «خود منم نمی‌دونم باید از دست این جوونا چیکار کنم» (جدول ۳). وی با نسبت دادن این رفتار به «جوانی»، مسئولیت فردی حمید را نادیده می‌گیرد و آن را به مسئله‌ای طبیعی و قابل اغماض تبدیل می‌کند. پذیرش نهایی این ازدواج نیز این روند را تکمیل کرده و مصداقی از عادی‌سازی یک انحراف (ازدواج مردی مسن با دختر جوان خانواده) می‌باشد.

به هر روی، این کنترل‌های افتراقی ساختاری منجر به تفاوت‌های جنسیتی در میزان بزهکاری می‌شود. بسیاری از مردان تصور می‌کنند که انتظارات مربوط به نقش جنسیتی خود رابطه‌طور کامل ایفا نمی‌کنند و از این رو، خود را نیازمند اثبات مردانگی می‌بینند. رفتارهایی که آن‌ها برای اثبات مردانگی انجام می‌دهند، وابسته به بافتار فرهنگی و اجتماعی است که در آن قرار دارند (Bernard et al, 2023: 387). در حالی که ارتکاب یک رفتار ممکن است برای مردان بدون برچسب‌گذاری و انحرافی دانستن همراه شود، اما همان رفتار برای زنان منحرفانه تصور شود. یافته‌های این قسمت نشان می‌دهند، علیر عاشق شدن را به‌عنوان یک نشانه مردانگی قلمداد کرده و به آن افتخار می‌کند، اما عاشق شدن مهناز خارج از چارچوب ازدواج با الصاق برچسب‌های بی‌آبرویی و انحرافی مواجه می‌شود.

جدول ۳- مقوله کنترل افتراقی جنسیتی و طبیعی‌نمایی انحراف مردانه

زیرمقوله	کدگذاری	داده‌های خام
آزادی عمل بیشتر پسران/ مردان نسبت به دختران/ زنان در خانواده	کنترل سختگیرانه خانواده بر رفتار دختران	مادر خطاب به مهری: این ساعت اومدن فرقت با نیومدن چیه؟ مهری: از این به بعد خبر میدم. مادر: خبر بدی از حجم کثافتت کم میشه؟
	اغماض نسبت به انحراف پسران در فضای خانواده	مهناز: مدرسه علیر گفتن بچه رو ببر تست اعتیاد به من نگفتی؟... کاری کرده بود؟ مهری: یکی دو بار دیده بود قرص می‌خوری از قرصای تو خورده بود ببینه چی میشه... مهناز: چرا به من نگفته بودی بچم قمار بازی می‌کنه؟ مهری: من تنها آدم امن زندگیش بودم، اگر می‌فهمید یکی از کاراشو به تو گفتم دیگه هیچیشو نمی‌گفت... من فقط می‌خواستم مراقبتش باشم.
هنجارهای پدرسالار در جامعه و پذیرش و طبیعی‌سازی انحراف مردانه	خنثی‌سازی گفتمانی؛ نسبت دادن رفتارهای سلطه‌گرانه و غیرمتعارف مرد به دوره جوانی	مادر حمید: والا حمید میگه اگر میشه با دختر کوچیک‌ترتون عقد کنه. - بله؟... مادر حمید: ما از دیشب داریم فکر می‌کنیم که به شما چی بگیم، یک لحظه آروم باشید. خدای من شاهده خود منم نمی‌دونم باید از دست این جوونا چیکار کنم. - جوون! بمیرید بابا، مرده شور ببره اون پسر پیرتر از خودتو، خودتو هفت جد و آبادت (در نهایت خانواده مهناز ازدواج مهری و حمید را به‌عنوان امری عادی می‌پذیرند)
	طبیعی‌نمایی انحراف جنسی پسران	سام‌خانیا: بچتون سیگار می‌کشید و بهتون گفته؟... گفته عکس زن سی ساله نشون می‌داد، ببخشید، ببخشید می‌گفت دوست دخترشه. مهناز: این شیطنتا تو این سن طبیعی از همه بچه‌ها سر میزنه. خانم شیطنتای طبیعی بچه شما توی مدرسه حکمش اخراج بود توی جامعه حکمش زندان بود.
	توجیه و کم اهمیت‌سازی رفتار انحرافی پسران	مهناز: این کارو هر بچه‌ای تو این سن و سال میکنه تو بیجا کردی دست روی بچه من بلند کردی

نتیجه‌گیری

بازتاب جرم و بزهکاری در فیلم‌های سنمایی برداشتی از واقعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای است که مخاطب در آن زیست می‌کند. از این رو، تحلیل جرم‌شناختی فیلم‌های سینمایی می‌تواند محدودیت‌ها و اشکالات نظریات جرم‌شناسی را آشکار سازد و بستری برای بهبود و اصلاح این نظریات مطابق با شرایط بومی هر جامعه ایجاد نماید. این پژوهش با اتکا به خوانش جرم‌شناسانه،

نشان داد که فیلم «زن و بچه» مسئله جرم و بزه‌دیدگی زنان را در پیوند با بازتولید نقش‌های جنسیتی و سازوکارهای کنترل قدرت در یک نظم پدرسالار صورت‌بندی می‌کند. این فیلم با انتقاد از مردسالاری ساختاری در بافتار خانواده، ازدواج، مدرسه و دادگاه، نمونه‌ای درخشان از ژانر رئالیسم اجتماعی است که به‌طور کلی مسئله و مشکلات زنان را برجسته می‌کند. عنوان فیلم در واقع کنایه‌ای به نگاه تحقیرآمیز و مردسالارانه حاکم بر بافتار سنتی جامعه است که زن و بچه را موجوداتی ضعیف و مصرف‌کننده می‌داند و فیلم تلاش می‌کند تا با این نگرش مبارزه کند. ساختارهای تبعیض‌آمیز و نابرابری‌های جنسیتی در فیلم «زن و بچه»، مهنه‌ها را از یک زن مطیع به سمت یک زن کنشگر سوق می‌دهد. او به تنهایی می‌خواهد در مقابل تمام ارزش‌ها و ساختارهای مردانه جامعه بایستد و در این کشاکش، راهی جز طغیان نمی‌یابد. اعمال مجرمانه مهنه‌ها در این قالب، مقاومتی در برابر نایدانگاشتن حقوق انسانی و بزه‌دیدگی در مقابل نهادهای تبعیض‌آمیز جامعه است. بنابراین، این فیلم می‌تواند نگرشی جامع‌تر نسبت به آسیب‌های اجتماعی و مفهوم جرم ارائه دهد که هم‌راستا با اندیشه‌های جرم‌شناسی انتقادی جنسیت‌محور است.

در پاسخ به پرسش پژوهش راجع به ارتباط ساختارهای نابرابر جنسیتی و ارتباط آن با ارتکاب جرایم مقاومتی از سوی زنان باید گفت، اقدام به قتل سام‌خانیان و پدربزرگ توسط مهنه‌ها، به شکل نمادین مبارزه با عدالت عرفی پدرسالار است. فیلم «زن و بچه» با نمایش یک اپیدمی زن‌ستیزی ساختاری و کنش‌های زنانه در مقابل آن، این موضوع را بازنمایی می‌کند. تبعیض علیه زنان در سطح فردی، ساختاری و فرهنگی به‌عنوان یک الگوی تکرارشونده و فراگیر در فیلم دیده می‌شود. این پدیده به مثابه یک بیماری واگیردار، از طریق هنجارهای اجتماعی، کلیشه‌های جنسیتی و قوانین تبعیض‌آمیز در جامعه گسترش می‌یابد. نظام پدرسالار اما، این اپیدمی را پنهان کرده و شیوع آن را امری طبیعی جلوه می‌دهد، در نتیجه به آن مشروعیت می‌بخشد و بستر تداوم آن را فراهم می‌آورد. به طور کلی، این پژوهش با تحلیل فیلم «زن و بچه» از منظر جرم‌شناسی جنسیت‌محور، نشان می‌دهد که کنترل افتراقی جنسیتی، طبیعی‌سازی انحرافات مردانه و سوژه‌سازی جنسیتی، به‌طور مؤثری در بازتولید و مشروعیت‌بخشی به ساختارهای قدرت مردسالارانه در جامعه نقش دارند.

در این ساختارهای اجتماعی، نابرابری‌های جنسیتی از همان ابتدا در فرایند جامعه‌پذیری و تأثیرگذاری خانواده‌ها نمایان می‌شود. جوامع مردسالار انتظارات و نقش‌های متفاوتی برای زنان و مردان قائل هستند و این نقش‌ها و انتظارات به وسیله جامعه‌پذیری جنسیتی در ناخودآگاه آن‌ها نهادینه می‌شود. جامعه‌پذیری مردانه رفتارهای پرخطر و سلطه‌طلب را به‌عنوان هنجارهای ضروری مردانه پرورش می‌دهد و با کنترل کمتر خانواده نسبت به پسران، احتمال ارتکاب رفتارهای انحرافی خشونت‌آمیز در آن‌ها را افزایش می‌دهد. در مقابل، جامعه‌پذیری زنانه با هنجارهای مراقبتی، انضباطی و نظارت همه‌جانبه، فرصت ارتکاب رفتارهای ناقض هنجارهای اجتماعی در زنان را محدود می‌کند، ولی به علت وابستگی‌های نقشی، آن‌ها را به آماج مناسب بزه‌دیدگی تبدیل می‌کند. فیلم «زن و بچه» تصویری از چگونگی بازتولید سلطه جنسیتی در سطح نهادهای رسمی و غیررسمی ارائه می‌دهد. از منظر جرم‌شناسی، فیلم فرصتی برای تحلیل برساخت اجتماعی جرم، کنترل افتراقی جنسیتی و طبیعی‌نمایی انحرافات مردانه فراهم می‌کند. براین اساس، سرکشی و بزهکاری علیر با تساهل بیشتری پذیرفته می‌شود، اما استقلال‌خواهی و عاملیت زنان^{۱۱} فیلم با نوعی سرکوب پنهان مواجه می‌شود.

در بازنمایی مفهوم جرم، فیلم «زن و بچه» به معنای رسمی آن؛ یعنی نقض قوانین بسنده نمی‌کند، بلکه جرم را به‌عنوان محصول ساختار سلطه و سرکوبی تصویر می‌کند که به‌صورت تبعیض‌آمیزی بر زنان اعمال می‌شود. حقوق کیفری جرم را به‌عنوان رفتاری که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد، تعریف می‌کند، اما از منظر جرم‌شناسی انتقادی، جرم تنها رفتار ناقض قانون نیست، بلکه سازمانی درهم‌تنیده است که با قدرت و ساختارهای نابرابر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ارتباط است. در واقع، رفتاری جرم می‌باشد که هنجارهای پدرسالاری را به خطر بیندازد و در مقابل، آنچه برای زنان ویرانگر و آسیب‌زننده است از جمله خشونت خانگی و ساختاری، نادیده گرفته می‌شود. ارزیابی کلی فیلم نشان می‌دهد که راه چاره برای مقابله با بزه‌دیدگی زنان، همان‌طور که جرم‌شناسان منتقد نیز بیان می‌کنند، اصلاح ساختارهای نابرابر جامعه است.

در جمع‌بندی نهایی، یافته‌ها دلالت بر آن دارند که کاهش بزه‌دیدگی زنان تنها با تمرکز بر واکنش کیفری پس از وقوع جرم امکان‌پذیر نیست؛ زیرا بخش مهم مسئله بزهکاری آن‌ها در سطح بازتولید نابرابری و کنترل جنسیتی عمل می‌کند. بنابراین، اصلاح سازوکارهای تبعیض‌آمیز در نهادهای رسمی و غیررسمی، تقویت مسیرهای دادخواهی مؤثر و به رسمیت شناختن اشکال پنهان خشونت، می‌تواند از چرخه‌ای جلوگیری کند که در آن بزه‌دیدگی به کنش‌های انحرافی و جرم‌زا تبدیل می‌شود. در عین حال، باید تأکید کرد که این پژوهش، تحلیل یک متن سینمایی است و هدف آن تعمیم آماری به جامعه نیست. با این وجود، فیلم به عنوان بازتابی از واقعیت‌های اجتماعی موجود در جامعه نشان می‌دهد که چگونه بازنمایی فرهنگی می‌تواند به فهم نظری دقیق‌تر درباره رابطه جنسیت، قدرت و جرم کمک کند و مسیر پژوهش‌های بعدی را برای بررسی آثار سینمایی و نظریات مختلف جرم‌شناسی در قالب جرم‌شناسی عامه‌پسند باز کند.

تحلیل بازنمایی‌های سینمایی می‌تواند به مثابه عرصه‌ای مکمل برای ارزیابی و بسط رویکردهای مختلف جرم‌شناسی انتقادی از جمله جرم‌شناسی انتقادی جنسیت‌محور و پست‌مدرن عمل کند؛ زیرا این رویکردها بر برساخت اجتماعی جرم، نقش گفتمان‌ها و مناسبات قدرت در تعریف انحراف و جرم تأکید دارند. نتایج پژوهش حاضر از یک‌سو، با آشکار ساختن نحوه صورت‌بندی جرم و بزه‌دیدگی زنان در بستر یک نظم پدرسالار، این دیدگاه را تقویت می‌کند که پدیده مجرمانه محصول فرایندهای معنایی، فرهنگی و قدرت‌محور در جامعه است. از سوی دیگر، این نتایج دلالت‌های عملی مشخصی نیز برای حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و تولیدات سینمایی دارد. برای مثال، نهادهای فرهنگی و فیلم‌سازان می‌توانند با پرهیز از بازتولید کلیشه‌های جنسیتی و با نمایش واقع‌بینانه خشونت‌های پنهان علیه زنان، مانند عادی‌سازی خشونت خانگی یا نادیده گرفتن بزه‌دیدگی زنان در ساختار خانواده و نهادهای رسمی، به افزایش حساسیت اجتماعی نسبت به این مسائل کمک کنند. در نهایت، چنین بازنمایی‌هایی می‌تواند در شکل‌گیری گفتمان عمومی درباره خشونت جنسیتی و ضرورت اصلاح برخی نگرش‌ها و رویه‌های اجتماعی مؤثر باشد.

References:

- Aalipour, H. (2005). Feminism and Criminology. *Strategic Studies of Women*, No. 30, 50-72. (In Persian).
- Abachi, M., Daemi, A. and Mir Ebrahimi, S. A. (2025). A Criminological Analysis of the Representation of Woman Victimization in the Light of Lifesyle in Subdued (Rage Khab) Movie. *Journal of Woman in Culture and Arts*, 17(2), 215-234. (In Persian).
- Akbari Biragh H, Barekat B, Ranjbar F. (2023). Examining the Relationship between Power, Body, and the Social Construction of Gender in the Novels "Sorkhi-Ye To Az Man (Your Redness be Mine)" and "Az Sheytan Amookht Va Soozand (He / She Learned From Satan and Burned)". *Literary research*, 20(81), 9-44. (In Persian).
- Azadarmaki, T, and Amir. R. (2009). Functions of Cinema in Iran (1995-2006). *Sociology of Art and Literature*, 1(2), 99-130. (In Persian).
- Bayat, S. (2021). Legislative Backgrounds of Women's Victimization in Iranian Criminal Laws. PhD Thesis in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran. (In Persian).
- Bernard, T, J. Snipes, J, B. and Gerould, A, L. (2023). Vold's Theoretical Criminology. Translated by Ali Shojaei. Tehran: Samt Publications. (In Persian).
- Broidy, L., & Agnew, R. (1997). Gender and crime: A general strain theory perspective. *Journal of research in crime and delinquency*, 34(3), 275-306.
- Daneshnari, H. and Hosseini, H. (2020). Qualitative Content Analysis of the Film "Joker" with a Cultural Criminology Approach. *Global Media Journal-Persian Edition*, 15(1), 77-98.
- Daneshnari, H. and Nesari Javan, E. (2020). Criminological analysis of Gender-Based approaches in Iranian Cinematic Performance: Case study of Mastaneh. *Journal of Criminal Law Research*, 8(31), 41-73. (In Persian).
- Daneshnari, H. and Nesari Javan, E. (2021). The Semiology of Women victim's Image in Iranian Films. *Criminal Law Research*, 12(2), 131-158. (In Persian).

- Daneshnari, H., Javan Jafari Bojnordi, A. and Sherafati, A. (2025 A). A Gender-Based Criminological Analysis of the Novel "A Thousand Splendid Suns". *New Literary Studies*, Article ready for publication. (In Persian).
- Daneshnari, H., Maali, M. and Nesari javan, E. (2024). The Social Structure of Rape. *Culmination of Law*, 10(1), 171-200. (In Persian).
- Daneshnari, H., Sherafati, A. and Niku Siar, M. (2025 B). Analysis of labeling theory in the novel The Scarlet Letter. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 13(25), 355-393. (In Persian).
- Davies, P., Greer, C., & Francis, P. (2017). Victims, crime and society: An introduction.
- Davoodi, H. (2009). Women Victomology and Effective Ways. *Biannual Journal of Family Law And Jurisprudence*, 14(50), 89-107. (In Persian).
- DeKeseredy, W. S. (2023). Contemporary Critical Criminology. Translated by Mehrdad Rajian Asli and Hamidreza Danesh Nari, Tehran: Dadgostar. (In Persian).
- DeKeseredy, W. S., & Dragiewicz, M. (Eds.). (2018). *Routledge handbook of critical criminology*. 2st edition, London: Routledge.
- DeKeseredy, W. S., Dragiewicz, M. (2019). Critical Criminology. (A. Darvish, A. Beheshti, Z. Dadashdust, M. Janatipoor, J. Ashrafzade. Trans), Tehran: Negah Bayene Publishing. (In Persian).
- Fitzpatrick, P. (1989). Crime as resistance: the colonial situation. *The Howard Journal of Criminal Justice*, 28(4), 272-281.
- Garrett, S (2001). Sociology of sex. Translated by Katayoun Baghaei. Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- Hagan, J., Gillis, A. R., & Simpson, J. (1985). The class structure of gender and delinquency: Toward a power-control theory of common delinquent behavior. *American journal of sociology*, 90(6), 1151-1178.
- Hagan, J., Simpson, J., & Gillis, A. R. (1987). Class in the household: A power-control theory of gender and delinquency. *American journal of sociology*, 92(4), 788-816.
- Hagan, J., Simpson, J., & Gillis, A. R. (1988). Feminist scholarship, relational and instrumental control, and a power-control theory of gender and delinquency. *British journal of sociology*, 301-336.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- Karizi, H. (2013). Iran's differential legislative criminal policy towards victimization with a gender approach. Master's thesis in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University, Mashhad. (In Persian).
- KeramatiMoez, H. (2024). *Criminology (Proposing new topics in the science of criminology)*. 2nd edition, Tehran: Sahami Enteshar Publishing. (In Persian).
- Khajenoori, N. and Asiyayi, R. (2024). Crime, media and critical criminology. *Legal Research Quarterly*, 27(2), 187-202. (In Persian).
- Kimmel, M. S. (2000). *The gendered society*. Oxford University Press.
- Krippendorff, K. (2024). Content Analysis: An Introduction to its Methodology. Translated by Hushang Nayebe, Tehran: Ney Publications. (In Persian).
- Mina and Amita, T. (2019). Feminist Criminological Theory: Origins, Stages, and the Twenty-First Century. Translated by Sudabeh Rezvani, in: *New Horizons of Critical Criminology*, edited by Baqer Shamloo, Tehran: Majd Publications. (In Persian).
- Mohsenpour, R. (2015). A Review and Critique of Feminist Victimology. Master's Thesis in Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom. (In Persian).
- Momenirad, A. (2013). Qualitative content analysis in research tradition: nature, stages and validity of the results. *Quarterly of Educational Measurement*, 4(14), 187-222. (In Persian).
- Najafi Abrandabadi, A. H. and Goldouzian, H. (2017). Postmodern criminology and its approach to crime and crime causation. *Journal of Criminal Law Research*, 6(23), 9-46. (In Persian).
- Rafter, Nicole and Brown, Michelle. (1402). Criminology Goes to the Cinema. Translated by Abdolreza Javan Jafari Bojnourdi and Mohammad Tahan Torghi, Tehran: Sahami Enteshar Company. (In Persian).
- Ravadrad, A. Nourbakhsh, Y and Hosseini, R. (2017). Iranian Society in the Mirror of Cinema. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication. (In Persian).

- Rayejian Asli, M. (2022). *Criminology The Essentials: Contents and Developments from Past to Present*. Tehran: Negah-e Moaser Publication. (In Persian).
- Shojaei, A. (2003). *The Impact of Feminist Perspectives on Criminology*. Master's Thesis in Criminal Law and Criminology. University of Tehran, Tehran. (In Persian).
- vahed, F., moazami, S., bashiriyeh, T. and sheykholeslami, A. (2021). Iranian Criminal Law in the Postmodern Feminist Criminology Measures. *Legal Research Quarterly*, 23(92), 327-356. (In Persian).
- Walklate, S. (2019). *Understanding Criminology*. Translated by Hamidreza Malek Mohammadi, Tehran: Mizan Publishing. (In Persian).
- White, R. and Hines, F. (2006). *Crime and Criminology*. Translated by Ali Salimi, Qom: Hawzah and University Publications. (In Persian).
- Winfrey, T. L. (2009). *Criminological Theories*. Translated by Seyyed Reza Eftekhari, Mashhad: Merandiz. (In Persian).

پایده‌ها
فصلنامه
پژوهش
در
انضاد انضاد